



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۳/۱۴

عبدالقیوم میرزاده

کتاب

زنان

و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی

نویسنده

عبدالقیوم میرزاده

پیوسته به گذشته (قسمت بیست و هفتم)

با این پیشگفتار آیا میتوان تعریفی برای فیمینیسم معین کرد؟ در باره تعریف فیمینیسم نظریات متنوع و گوناگون وجود دارد. عده آنرا جنبش سازمان یافته زنان برای بدست آوردن حقوق شان تعریف میکنند. عده آنرا چشم انداز و یا دور نمایی برای رهایی زن از فرودستی، ستم، نا برابری و بی عدالتی های جامعه معرفی میکنند. گروه دیگر آنرا یک ایدئولوژی قلمداد کرده که هدفش دگر گون سازی بنیادی ساختار های اجتماعی جوامع میباشد، معرفی میکنند. اما همه فیمینیست ها متفق القول معتقد اند که فیمینیسم یعنی مبارزه بخاطر رفع تبعیض جنسی در جوامع انسانی که فرهنگ مرد سالار حاکم است میباشد. بناً میتوان فیمینیسم را سازمان یا جنبش سازمان یافته زنان برای رفع تبعیض جنسیتی نیز تعریف کرد.

فیمینیسم Feminism در اصل از کلمه فرانسوی Feminism و از ریشه لاتین Femina یعنی زن گرفته شده است که در جریان مبارزات فیمینیستی این کلمه را در زبانهای مختلف به عناوین مختلف توضیح و تفسیر کرده اند، که در زبان دری آنرا آزادی خواهی زن یا جنبش آزادی زنان و یا زن باوری توضیح و تفسیر کرده اند.

فیمینیسم مجموعه ای است از اصول و مواضع نه یک نظریه منحصر به فرد یا یک دیدگاه جهانی. فیمینیسم مجموعه ای از نظریات است که تعهد زنان را برای رهایی شان از ستم بیشتر و دریافت راه های حل بهتر برای آینده زنان در جامعه نشانی میکند. امروز فیمینیسم در بسیاری از نقاط جهان از شعار های مطالبات آزادی در سقط جنین و حق رأی به مراحل مشارکت وسیع زنان در کلیه امور اجتماع، اداره و سیاست و از شعار زنده گی خوب برای زنان به شعار بهتر زنده گی کردن در جهان و مسایل خانه و خانواده و محیط زیست انکشاف مثبت کرده است.

همچنان جرج ریتزر George Ritzer متولد ۱۹۴۰ جامعه شناس امریکایی و استاد پوهنتون مریلند در کتاب نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر فیمینیسم را چنین تعریف میکند: « نظریه فیمینیستی بخشی از یک رشته پژوهش درباره زنان است که به طور ضمنی یا رسمی، نظام فکری گسترده و عامی را درباره ویژگی های بنیادی زنده گی اجتماعی و تجربه انسانی از چشم انداز یک زن ارائه می کند.» او همچنان اضافه میکند که نظریه فیمینیستی نظامی از افکار کلی میباشد که برای توضیح و تعبیر زنده گی اجتماعی و تجربه بشری از نظر حمایت و طرفداری زنان ساخته و پرداخته شده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

عده دیگر از متفکران جهان به این باور هستند که مردان و زنان باید از حیث اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برابر باشند و دلایل فراوان خاص خود را در رابطه با چگونگی تحقق آن دارند. همین را فیمینیزم گویند. فیمینیزم جنبش فکری است که در تمام جهان در شرق و غرب خود را نشان داده و به اثبات رسانیده است و در تمام ایدئولوژی ها خود را وفق داده است. اما تا کنون جنبش های فیمینیستی به تنهایی و یا مستقلاً در هیچ نقطه از جهان برای کسب قدرت سیاسی مبارزه نکرده بلکه در پاره از مراحل در جنب جنبشهای سیاسی نقش همکار و همیار را ایفا کرده است. به همین سبب هم است که دارندگان اندیشه های مختلف و متنوع توانسته اند عضو جنبش های فیمینیستی گردند. ناگفته نماند برعکس نظریات که از جانب محافظه کاران سنتی و افشار مذهبی علیه جنبش فیمینیستی در جهان تبلیغ میگردد که گویا فیمینیزم جنبش زنان علیه مردان میباشد کاملاً از ریشه نادرست بوده برعکس در منشور فیمینیزم جامعه را متشکل از انسانها تعریف میکند نه از زن و مرد.

در کشور ما افغانستان جنبش زنان یا فعالیت های انفرادی زنان آزادیخواه فرود و فراز های بسیاری را تجربه کرده است. به قول محقق معصومه عصمتی وردک که در کتاب (نقش و موقف زنان افغانستان) بیان داشته است. در کشور ما احمد شاه بابا علاوه بر اینکه مادرش زرغونه انا در بسیاری از موارد حکومت داری، کشور گشایی و دفاع مشاور ارشدش بود به زنان کاردان حق دخالت در امور مملکتی را داد، القابی تعیین کرد و مخصوصاً در امور مربوط به زنان و واری از حقوق زنان صدور فرامین را نیز از طرف زنان مجاز دانست و به این منظور به زنانیکه موظف به کاری می شدند مهوری نیز برایشان داده شد تا فرامین آن ها اعتبار و وزن بیشتری برخوردار گردد. اما نخستین نشانه های مبارزات زنان برای اعاده حقوق و آزادی هایشان در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم دیده میشود. بُبُو یا بُبُو جان خانم عبدالرحمن خان در زمان زمامداری عبدالرحمن خان بین سالهای ۱۸۸۰ - ۱۹۰۱ بدون رو پوش در دربار شاه حاضر میبود و شاه را در مسایل روز مره کمک و معاونت میکرد و در حل بسا مسایل از شوهرش نمایندگی میکرد. به قول نانسو دوپری بُبُو جان خود زن سوار کار بود و وی را آموزگار خوب برای خدمه هایش توصیف میکند. همچنان او زنی بوده که تمرینات نظامی را تکمیل کرده بود. او علاقه مندی و افری به سیاست داشت و در ماموریت های زیادی به منظور مباحثه سیاسی بین طرفین مخالف اشتراک ورزید.

در سال ۱۹۲۰ شاه ترقی پسند افغانستان امان الله خان در محضر عام طی چندین صحبت اش در باره زنان، آزادی های زنان ارشاداتی به زنان کشور ما داشتند که در یکی از صحبت ها خطاب به زنان افغانستان چنین بیان داشتند: «دین از زنان نمی خواهد تا دست ها، پاها و صورت خویش را بپوشند و یا امر به نوع خاصی از حجاب کرده باشد». همچنان ملکه ثریا خانم امان الله خان منحیث زن پیشتاز نهضت آزادی زن در افغانستان در سال ۱۹۲۶ طی صحبتی در ملای عام خطاب به زنان کشور ما چنین گفت: « فکر نکنید که ملت ما فقط به مردان نیاز دارد تا به آن خدمت کنند. زنان نیز باید سهم بگیرند، چنانچه زنان در صدر اسلام این کار را کرده اند. خدمات ارزشمندی را که زنان عرضه کرده اند در طول تاریخ مورد توجه و بازگویی قرار گرفته است. ما از این مثال ها میتوانیم الگو بگیریم و همه باید برای پیشرفت ملت خویش همکاری کنیم و این شندی نیست تا وقتی که به سلاح دانش آراسته نباشیم. بنا ما باید تلاش کنیم تا جاییکه ممکن به حصول دانش بپردازیم تا خدماتی را به جامعه خویش عرضه کنیم، آنچنان که زنان صدر اسلام کرده اند».

همگام با نهضت بین المللی زنان در اروپا اتحادیه حمایت از زنان افغانستان و کمیته کبرا در سال ۱۹۱۹ به ابتکار ملکه ثریا تأسیس گردید و وظیفه کمک، همکاری، آگاهی دهی و باسواد سازی زنان را به عهده داشت و متعاقباً مکتب دخترانه بنام مستورات در سال ۱۹۲۰ در کابل ایجاد گردید که تقریباً تمام زنان نامدار که در حکومت های بعدی پست های رهبری کننده و استادان پوهنتون ها مقرر شدند فارغان همین مکتب مستورات بودند. اولین نشریه زنان بنام «ارشاد النسوان» در سال ۱۹۲۱ منتشر شد و طی نشرات اش وسیعاً به روشنگری زنان کشور ما پرداخت، در یکی از شماره های ارشاد النسوان از قول سراج البنات خواهر امان الله خان آمده است: « دانش فقط در قبضه مردان نیست، زنان نیز باید با دانش باشند. ما باید در مورد زنان مشهور جهان بخوانیم، تا بدانیم که زنان نیز دقیقاً همان چیزی را که مردان می توانند بدست آورند، بدست می آورند.» زنان کشور ما در سال ۱۹۲۳ قانوناً حق انتخاب در ازدواج را حاصل کرد، همچنان در سال ۱۹۲۳ دوازده تن از زنان خبره کشور ما در لویه جرگه شرکت کردند و در سال ۱۹۲۸ نخستین گروه دختران افغان غرض اکمال تحصیلات عالی و مسلکی عازم ترکیه شدند.

با ذکر شمه ای از امواج آزادی خواهی زنان کشور ما برای رهایی از ستم فرهنگ مرد سالار که در سطور بالا به آن اشاره کردم مگر در ادبیات ژورنالیستیک، سیاسی، اجتماعی، هنری و اقتصادی کشور ما واژه فیمینیزم برای بار نخست در دهه های هفتاد و هشتاد قرن بیستم مروج گردید. بر اساس توضیح فیمینیزم که در بالا تصریح کردم نخستین موج های فیمینیستی در کشور ما در زمان حاکمیت اعلیحضرت امان الله خان ثبت گردیده است که در آن زمان زنان بیشتر برای حقوق برابر با مرد و حق تحصیل مبارزه میکردند. بنابر حاکمیت شدید مرد سالار جامعه ما که زنان اکثراً از سواد بی بهره بوده و از آگاهی بسیار نازل هم برخوردار نمی باشد بنا اکثریت زنان جامعه ما با واژه و مفهوم فیمینیزم آشنایی ندارند. زنان شهر نشین کشور ما که کماکان این واژه را شنیده اند آنرا به مفهوم زنان بی بند و بار، زنان روسپی و زنان بدون قید و شرط در خط مقابل باور های دینی، فرهنگی، و اجتماعی میپندارند و

بسیاری از زنان کشور ما از این واژه نفرت دارند. لذا این هم یکی دیگر از مکلفیت های زنان کشور ما میباشد تا از طریق با سواد شدن و کسب آگاهی در باره مسایل که بر سرنوشت اش تاثیر گذار است مبادرت ورزند.

مبارزات فیمینیستی در جهان تا سالهای ۶۰ قرن بیستم بازتاب خواسته های زنان از قبیل جلوگیری از تجاوز جنسی بر زن، حقوق زائیدن یا داشتن طفل، جلوگیری از خشونت و خشونت خانواده گی، حقوق برابر کار یا مزد مساوی، حقوق برابر در قبال فرزندان، حقوق مالکیت اقتصادی، حقوق استراحت در زمان بار داری و بسا نیازمندی های دیگر زنان متمرکز بود. زنان در اکثر کشور های جهان توانستند به صورت کلی و یا قسمی مطالبات شان را بدست بیاورند. اما فعالین جنبش زنان کشور ما یا فیمینیست های کشور ما افغانستان تا کنون نتوانسته اند بر سر ادبیات سیاسی و واژه های مبارزه زنان برای اعاده حقوق شان و یا برابری جنسیتی و سایر مطالبات قانونی به توافق برسند. آنها وسیعاً درگیر اختلاف نظر در باره واژه ها و ادبیات مبارزات زنان میباشند. عده از زنان کشور ما آرزو دارند تا گروه هایی که بر اساس اصول فیمینیسم جهانی در حرکت اند بنام فیمینیست و مابقی گروه های مبارزه برای آزادی های زنان را فعالین حقوق زنان و یا هر عنوان دیگر مسمی گردند. آنها بصورت مشخص تفکیک فعالان حقوق زن و فیمینیست ها را از روی تعریف عملکرد شان میخواهند که این کار میتواند ضربه مهلکی بر اتحاد همه زنان کشور ما در شرایط بسیار حساس وارد آورد و نیروی زنان جامعه ما را دستخوش تشقت و پراکنده گی سازد.

مبارزات فیمینیست ها در جهان منجمله در اروپا در موج های نخستین اش روی برابری حقوق زنان با مردان متمرکز بود. بعد از جنگ جهانی اول این مبارزات بیشتر بروی دریافت حق رای تأکید داشت تا سایر خواسته ها و نیازمندی های زنان. اما در مراحل بعدی و درخشان فیمینیسم، زنان یا فعالین فیمینیست زن در قاره های اروپا، امریکا، آسیا و افریقا بار دیگر مطالبات شانرا گسترده تر ساخته و برابری جنسیتی، حقوق سیاسی، اقتصادی و حقوق مدنی یا به عبارتی دیگر حقوق کامل شهروندی را شامل مبارزات وسیع خویش ساختند. این دور مبارزات فیمینیستی برای بیداری زنان جهان تأثیرات بس شگرفی به ارمغان آورد. گرچه در اواخر دهه های هفتاد و هشتاد قرن بیستم فیمینیست های امریکایی خود را تحت لایحه حقوق برابر اقتصادی محدود ساختند اما دیگر زنان در اکثر کشور های دنیا بیدار شده بودند و طالب همه حقوق شهروندی برابر با مردان بودند که در همین راستا جنبش ها و سازمانهای بزرگ بین المللی زنان چون سازمان ملی زنان NOW، فراكسیون سیاسی ملی زنان NWPC، اتحادیه جنبش عدالت طلب زنان WEAL، جنبش جهانی زیر نام هشتم مارچ به کار و پیکار عدالت خواهانه برای زنان، رفع همه انواع تبعیضات علیه زن، رفع هر نوع خشونت علیه زنان و اعاده حقوق شهروندی برای زنان ایجاد و فعال گردیدند. در گیر و دار این مبارزات حق طلبانه، برابری جنسیتی و رفع انواع خشونت علیه زنان در سال ۱۹۱۰ کنگره سوسیالیست های دنمارک در شهر کوبن هاگن بمنظور حمایت از مبارزات زنان در سراسر جهان که از جانب حکومت های مستبد مرد سالار بصورت بسیار وحشیانه و غیر انسانی سرکوب گردیده بود منجمله سرکوب خونین کارگران نساجی شهر نیویارک در سال ۱۸۷۵ هشتم مارچ را بنام روز همبستگی بین المللی زنان جهان اعلام کرد و در این کنگره از زنان تمام جهان مطالبه شد تا برای احقاق حقوق شان متحد و یک آواز گردند. تا آنکه در سال ۱۹۷۷ سازمان ملل متحد حمایت خویش را از روز همبستگی زنان هشتم مارچ اعلام داشت و این روز را شامل تقویم بین المللی کردند. نا گفته نماند در این امواج مبارزات فیمینیستی گرایشات سیاسی نیز شامل حال این مبارزات مدنی گردید که در کشور های مختلف جهان در سایه سیاست های حاکم فیمینیست ها نیز از آن متأثر گردیدند. چنانچه سوزان جیمز نویسنده کتاب فیمینیسم بیان میدارد: « تفاسیر زیادی از زنان و ظلم وارده بر آنان تحت توصیف عام فیمینیسم می گنجد تا جایی که نمیتوان فیمینیسم را یک اصل واحد فلسفی یا دربردارنده یک طرح سیاسی مورد وفاق دانست. همانطور که دیدگاه های متفاوتی از آزادی و حقوق انسانی داریم، فلسفه های فیمینیستی متفاوتی نیز داریم که نه به دلیل دعوی یا توصیه های خاص شان بلکه برای اهتمام شان به یک موضوع مشترک به هم پیوند خورده اند.»

اما به نظر من این تقسیم بندی های سیاسی برای فشری که در بسا جا ها موقعیت ها، موارد و حالات بسیار شکنند و آسیب پذیر میباشد نه تنها مؤثر و مثمر نیست بلکه این اختلافات و مرز بندی ها بر پایه اندیشه های سیاسی و مذهبی زمینه ساز مداخلات مخالفین برابری حقوق زنان و برابری جنسیتی شده و راه مبارزات جنبش های زنان را سد میگردند. آنچه بعد از چهارمین کنفرانس جهانی زنان منعقد شده پیکن سپتمبر ۱۹۹۵ برای زنان جهان از اهمیت فراوان برخوردار است همانا روزنه هایی برای تاسیس یک سازمان جهانشمول زنان برای آزادی، برابری حقوق، مشارکت، رفع خشونت و رفع همه انواع تبعیض علیه زنان میباشد که کشور های جهان یکی پی دیگری به این منشور اجلاس پیکن میپنودند.

و بدین ترتیب فیمینیست ها درجهان نظر به گرایشات سیاسی شان به گروه بندی های مختلف منقسم گردیده اند که جامعه شناسان آنرا چنین طبقه بندی میکنند:

فیمینیسم لیبرالیستی

فیمینیسم مارکسیستی

فیمینیسم سوسیالیستی

فیمینیسیم رادیکال
فیمینیسیم اسلامی
فیمینیسیم پست مدرن
فیمینیسیم حفاظت محیط زیست

برای معلومات و آگاهی بانوان کشور عزیز ما افغانستان میپردازیم به توضیح مختصر هر یکی از این انواع مبارزات فیمینیستی و پهلو های مفید و مُضر آنها تا باشد زنان کشور ما با در نظر داشت این آگاهی سمت و سوی مبارزه شان را برای رهایی از زیر ستم فرهنگ مرد سالار تعیین بدارند. پایان قسمت بیست و هفتم (ادامه دارد)